

اعلامیه مطبوعاتی

به آقای محمد یتیم!

از الله سبحانه وتعالی بترس؛ زیرا مقاله تان یکی از فرض های عظیم اسلام را تخریب و زیر پای می گذارد!

(ترجمه)

نخست، ما با تحیه اسلامی شروع می کنیم!

السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته!

به تاریخ 29 مارس 2020م، یک مقاله ی شما در وبسایت "شبکه خبری الجزیره (Al-Jazeera.net) تحت عنوان: «یک مناقشه فکری دولت اسلامی... آیا اسلام یک مدل/نمونه ی خاص دولت را به میان می آورد؟» منتشر شد که در آن شما از خلافت سخن گفته بودید. (نوت: عنوان مقاله به عربی، "مناقشة لفكرة الدولة الإسلامية"... هل جاء الإسلام بنموذج محدد للدولة؟") بناءً مقصودی که مقاله تان دنبال می کرد، این بود تا شان و شوکت یک دولت مقتدر و عظیم را در تاریخ لکه دار بسازد؛ دولتی که توسط امت اسلامی از سوی باکرامت ترین پیامبرشان، سید خلقت، سید و پیشوای ما محمد صلی الله علیه وسلم به ارث برده شده است؛ یک دولتی با نظام معروف و خصوصیت متمیز و یک دولتی که رییس اش من حیث خلیفه (جانشین) رسول الله صلی الله علیه وسلم مسمی می شود؛ دولتی که به رهبرشان لقب أميرالمؤمنین داده می شود؛ دولتی که اصحاب جلیل القدر بخاطر تأسیس اش شهید شدند؛ سپس بیشترین اصحاب کرام بخاطر حفظ اتحادش شهید شدند و سپس بهترین صحابه ارحمند و محترم بخاطر گسترش آن جام شهادت را نوشیدند؛ در نهایت شکو و عزت اش با خون شهدا در طول تاریخ رنگین و حفظ شده است.

ای آقای محمد یتیم! اگر شما صادقانه در برابر اسلام احساس و حرص مراقبت دارید، به شما این عمل زبینه خواهد بود تا آن چه نبی کریم صلی الله علیه وسلم در خصوص اقامه دولت انجام داده است را در صحنه عمل پیاده کنید. من به شما آنچه برای جمهور امت، چه رسد به فقه ها که مفهوم شده است، برهان و دلیل نمی آورم و اضافه نمی کنم. من فقط به یک واقعه استناد خواهم کرد، یک واقعه روشن و واضحی که خطر ضیاع و از دست رفتن خلافت و سنگین بودن گناه کسانی که در آن دخیل بودن را تأیید می کند، این واقعه مشهور به انجام عهد بیعت با سید عثمان رضی الله عنه است...

سید عمر بن خطاب رضی الله عنه، آن صحابه خلیل القدر که در مقابل زنی که وی را در بازار بخاطر حکومت اش محاسبه می نمود، با تواضع می ایستاد. آن خلیفه مبارک، هنگامی که دانست مرگ به وی نزدیک شده، وی شش تن از بشارت یافته گان جنت (المبشرین بالجنة) را نامزد ریاست خلافت نمود تا آنان از میان خویشتن یکی را من حیث خلیفه انتخاب کنند. سپس به آنان سه روز را مهلت داد که پس از آن طرف مخالف باید به قتل برسد... بلی! وی امر قتل خیرالبشر بعد از انبیاء را صادر کرد؛ اگر آنان پروسه انتصاب خلیفه را فاسد کنند. فلهدا، چگونه حضرت عمر بن خطاب می تواند اجازه ریختن خون صحابه ای را بدهد که بشارت یافته گان جنت هستند؛ در حالی که صحابه درین امر حضرت عمر بن خطاب سکوت اختیار نموده بودند؟ حال آن که قبل از این اگر اصحاب کرام متوجه می شدند که حضرت عمر بن خطاب یک تکه پارچه اضافه را برای لباسش نسبت به دیگران گرفته، سکوت نمی کردند! بلی، آنان در امر نصب خلیفه سکوت اختیار نمودند؛ زیرا آنان عظمت فرض بودن خلافت را می دانستند و اگر نیاز باشد

این امر سزاوار قربانی نفس‌ها را نیز دارد. فلهدا، ای آقای محمد تیم! تصور کن، اگر شما در حضور سیدنا حضرت عمر بن خطاب می‌بودید و وی مقاله شما را مطالعه می‌کرد، نمی‌دانم چه عاقبت بدی بر سرت می‌آمد؟!

هرگز، قبلاً هیچ کسی از نسل‌های گذشته در میان امت زاییده نشده بود که ادعای حرص مراقب از اسلام را کند و سپس به تحریف ساختار دولت اسلامی فراخوانی نموده و آن را با دیگر ساختار دولت‌های کفری برابر کند! هیچ کسی به این امر دست نزده بود، به جز نسلی از مسلمانانی که در عصر انهدام و الغای دولت خلافت می‌زیستند. آنان مسحور (تکنالوژی و پیشرفت و دیگر) آن چه شدند که دشمنان‌شان به آن نایل شده بودند و مجذوب فرهنگ و ثقافت استعمارگران‌شان شدند و مانند زاهدان مغاره‌نشین ذلیل گشتند و سپس با ظلم و ستم حکمرانان خائن هم‌زیستی کرده و شرکای آنان شدند. مسلمانان در نهایت تلاش برای توجیه موقف‌شان از طریق شعارهایی که دیگر امت مسلمه را احق و گول زده نمی‌توانستند، کردند.

دولت خلافت در سال 1924م در لحظه‌ای سقوط کرد که شکست نظامی با یک آشفتگی (ذهول) به‌وسیله آن چه غرب انجام داده بود، آمیخته شد؛ آشفتگی و ذهولی که برایش هیچ درمانی وجود نداشت تا این که الله سبحانه و تعالی به امت کسانی را ارزانی داشت که می‌توانستند میان فرهنگ و تمدن فرق قائل شوند. بدین معنی که قابلیت توانایی دیدن راه و طریقه نهضت اسلامی را داشتند؛ راهی که ناب، صاف و مبلور شده است! الحمد لله اللطیف الخبیر! امروز، خلافت یک‌بار دیگر به رای و فکر عمومی در میان امت اسلامی تبدیل شده است و این مفکوره منتظر کسانی ست که می‌خواهند برایش نصرت دهند و آن را تأسیس نمایند.

از الله سبحانه و تعالی بترس و به گفتن اظهاراتی توقف بده که هرگز مایه آرامش در قلب مؤمن نمی‌شود و به توسعه دادن نظام حکومت‌داری سیکولار توقف بده؛ چون الله سبحانه و تعالی به قلدران و باداران این نظام یک سربازی از سربازهایش را فرستاد؛ یک ویروسی که با چشم بصیرت دیده نمی‌شود و باعث از دست رفتن توازن و تقریباً نزدیک به شکست‌شان شد. به همسایه‌گانت در سمت شمال اگر دقیق‌تر بگویم؛ جامعه اروپایی‌ها بنگر، که به شدت ترسیده و متفرق شدند و کسانی اند که قلب‌های‌شان با ناامیدی پر شده است و شکاف میان وحدت ادعایی‌شان پهن و فراخ گشت و در نهایت آنان پرچم‌های اتحادیه‌شان را پایین نموده و یک‌دیگر را به خیانت و زردن ملامت می‌نمایند. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿...تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقَلُوبُهُمْ شَتَّى...﴾ [حشر: 14]

ترجمه: ...تو/ایشان را متحد می‌بینی، ولی پراکنده دل بوده و هماهنگ نمی‌باشند...

ای آقای محمد یتیم! ما به شما نصیحت می‌کنیم که ازین راه برگرد و جامه‌ی سکولاریزم را از تن‌ات بیرون درآر و به سوی غرب و نظام‌اش پشت بگردان؛ سپس در صف امت توقف کن و عمل صالح را با یاری و دعوت نمودن به اقامه خلافت راشدانه ثانی بر منهج نبوت، انجام بده! الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ...﴾ [حج: 23]

ترجمه: (...اما گروه دوم که مؤمنان اند) الله (سبحانه و تعالی) کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، به

باغ‌هایی (از بهشت/جنت) داخل می‌گرداند...

انجینر/مهندس صلاح الدین عضاضه

رئيس دفتر مطبوعاتي مركزى حزب التحرير

شماره صدور: AH / 0181441

12 شعبان 1441ھ.ق

15 اوريل 2020م

مترجم: داکتر زکریا